

# رویارویی با تزار روسیه

تصویر پتر کبیر در تاریخ نوشته‌های اوایل عصر قاجار\*

An Encounter with the Russian Czar: The Image of Peter the Great in Early Qajar Historical Writings

## ○ مریم اختیار

ترجمه: منصور چهرازی

را که در آن زمان در دسترس آنها قرار داشته و راه‌هایی را که از طریق آنها متناسب با انجام تحولات مورد نظر این اطلاعات تاریخی جمع‌بندی شده‌اند را مورد مطالعه قرار دهیم. این موضوع به‌ویژه از آن جا مهم است که فاصله زمانی بیش از یک قرن بین فرمانروایی تزار پتر و فعالیت‌های اصلاح‌طلبان اوایل قاجار مانع هرگونه تماس مستقیم در مورد تبادل عقاید شده است.

نخبگان قاجار به طور مداوم در پی الگوهای بودند که آنها را در تحول و

بازسازی جامعه خویش یاری دهد. اغلب تمدن اروپایی به

صورت معیاری بود که با آن پیشرفت ملتشان را می‌سنجیدند. در قرون هجدهم و نوزدهم تعداد کثیری از ایرانیان بیش از پیش برای آگاهی از پیشرفت‌های تکنولوژیکی، نظامی و آموزشی دست اول اروپا روانه غرب شدند.

روشنفکران و اصلاح‌طلبان ایرانی این دوره همچنان

که ایران به سرعت به کام توسعه و استیلای اروپایی کشیده می‌شد، از تحول بنیادین قدرت نیز مطلع بودند.

بعضی از آنها این تحول بنیادین را مشاهده نمودند و سعی کردند پیشرفت‌ها را از طریق اقامت‌های طولانی در کشورهای اروپایی درک نمایند، در حالی که دیگران مشاهدات خود را محدود به چهارچوب ایران نموده یا از مکان‌هایی به دوری هند، پیشرفت‌ها را مشاهده می‌کردند.

علی‌رغم همجواری اقلیمی آنها با غرب، نگرانی

ایشان از تجاوزهای ارضی بی‌وقفه روس‌ها و دخالت‌های سیاسی بریتانیا، آنان را به جستجوی راه حل‌های عملی واداشت. این نومییدی و تمایل آنها به احیای افتخارات گذشته امپراطوری ایران را به خوبی می‌توان در نوشته‌هایشان مشاهده کرد. احساس نیاز آنها به درک رابطه جدید با جهان پیرامون خود، آنان را بر آن داشت تا برداشت‌های خویش را به طور مفصل و به شکل‌های گونه‌گون از قبیل: سالنامه‌ها، سیاحت‌نامه‌ها و گزارش‌های سیاسی، که معمولاً در زمره سفرنامه‌ها قرار می‌گرفتند، به رشته تحریر درآورند.

منابع تاریخی فارسی، به‌ویژه آن دسته از منابعی که مربوط به اوایل دوران قاجار هستند، به دستاوردهای تزار روس پتر اول (فرمانروایی ۱۷۲۵-۱۶۸۲ م) توجه بیشتری معطوف می‌دارند تا دستاوردهای دیگر پادشاهان اروپایی «نونین». تصویر پتر کبیر، توجه اصلاح‌طلبان ایرانی، که امیدهای خویش را با ستایش از وی به عنوان احیاءکننده امپراطوری روس اظهار داشته‌اند، به خود جلب کرده بود. آنها با ترسیم تصویری مهم از تزار؛ از یک سو وی را قابل

تحسین و احترام و از سوی دیگر مخوف و غیرقابل اعتماد نشان می‌دادند. اما نخبگان قاجاری به پتر به عنوان آینه‌ای که می‌توانستند بازتاب خود را در آن ببینند و نیز به عنوان نمادی قاطع برای ایجاد گفتمانی که به تصور آنها منجر به تغییر می‌شده می‌نگریستند، گفتمانی که طبیعتاً با نیازهای سیاسی ملتشان هم‌اوا بود. با به کارگیری تزار پتر به عنوان یک نقطه عطف، اصلاح‌طلبان ایرانی دل‌پایسی خویش را از اوضاع بین‌المللی رو به زوال ایران و ضرورت رسیدن به راه‌حل‌ها بیان می‌کردند.

برقراری ارتباط میان گسترش اقلیمی و اصلاحات نظامی، سیاسی و فرهنگی، پیشرفتی چشمگیر در تاریخ نوشته‌های قاجار به شمار می‌رود. برخلاف گزارش‌های پیشین، این نوشته‌ها مبتنی بر مقایسه بوده و برتری نظامی روسیه را به پیشگامی پتر در اصلاحات به سبک غربی نسبت می‌دهند. با تحلیل توصیف‌هایی از روسیه و پتر کبیر

در منابع متعدد تاریخی، اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم، این مقاله دلایل و ارتباط تاریخی بزرگ‌نمایی پتر کبیر را در محدوده چهارچوب روشنفکرانه این دوره مورد ارزیابی قرار خواهد داد.

از آن جا که این متون توسط یا با همکاری تنی چند از روشنفکران فرهیخته و فارغ از تعصبات مپهنی و ایرانی به چند زبان اروپایی به ویژه فرانسه و انگلیسی نوشته شده‌اند، بنابراین، تعیین کانال‌هایی که از طریق آنها تصویر پتر اول به ایران رسوخ نموده، مهم است. به عبارت دیگر، ما باید متون اروپایی





بازدید پتر از یک مدرسه

## بسیاری از نقل قول‌های اصلاح طلبان اولیه قاجاری پژواک اندیشه‌ها و زبان ولتر است

ممکن است اطلاعاتی در مورد  
زمان دقیق اولین ترجمه تاریخ روسیه و  
شارل دوازدهم، اثر ولتر،  
به فارسی در دست نباشد،  
اما می‌دانیم که ترجمه این متون را  
عباس میرزا اندکی قبل از وفاتش  
به سال ۱۸۳۳ م.  
سفارش داد

نگارش «سفرنامه»ها اغلب مستلزم اعزام فرستادگان و مقاماتی به مأموریت‌های سیاسی بود. اما بسیاری از این سفرنامه‌ها توسط افرادی که به دلایلی همچون تحصیل، تجارت و یا ماجراجویی به اروپا سفر می‌کردند، نوشته می‌شد.

این خاطرات سفر اغلب با یک حس مسئولیت و به منظور بهبود بخشیدن به اوضاع نگاهشده می‌شدند. این سفرنامه‌ها به قصد ترویج در میان مخاطبان خاص و آسان‌سازی ارتقاء و تبادل عقاید بوده است.<sup>۱</sup> در بسیاری موارد،

سفرنامه‌های سیاسی حاصل تلاش دسته‌جمعی بوده و بعد از این که هیأت نمایندگان سیاسی همدیگر را ملاقات می‌کردند و به بحث دربارهٔ مشاهدات خود می‌پرداختند، نگاهشده می‌شد. روشنفکران اوایل قاجار با ثبت مشاهدات دردآور خود در قالب روایی، مفهوم «غربگرایی» Westernization را می‌آزمودند و می‌کوشیدند با احساس ناگهانی عقب ماندگی خود را سازش دهند. به عبارت دیگر، روایت‌هایشان نیازی دوگانه را برآورده می‌ساخت: بازیابی افتخارات گذشته ایران و هماهنگ شدن با گام‌های سریع توسعه نظامی و اقتصادی اروپا. به موازات نیاز به روایت، نیاز به یک قهرمان مناسب با «متن» و همچنین یک اسوه پدیدار شد و برای روشنفکران ایرانی اوایل عصر قاجار، تزار روس پتر اول برای این نقش مناسب بود.

این خاطرات سفر اغلب با یک حس مسئولیت و به منظور بهبود بخشیدن به اوضاع نگاهشده می‌شدند. این سفرنامه‌ها به قصد ترویج در میان مخاطبان خاص و آسان‌سازی ارتقاء و تبادل عقاید بوده است.<sup>۱</sup> در بسیاری موارد، سفرنامه‌های سیاسی حاصل تلاش دسته‌جمعی بوده و بعد از این که هیأت نمایندگان سیاسی همدیگر را ملاقات می‌کردند و به بحث دربارهٔ مشاهدات خود می‌پرداختند، نگاهشده می‌شد. روشنفکران اوایل قاجار با ثبت مشاهدات دردآور خود در قالب روایی، مفهوم «غربگرایی» Westernization را می‌آزمودند و می‌کوشیدند با احساس ناگهانی عقب ماندگی خود را سازش دهند. به عبارت دیگر، روایت‌هایشان نیازی دوگانه را برآورده می‌ساخت: بازیابی افتخارات گذشته ایران و هماهنگ شدن با گام‌های سریع توسعه نظامی و اقتصادی اروپا. به موازات نیاز به روایت، نیاز به یک قهرمان مناسب با «متن» و همچنین یک اسوه پدیدار شد و برای روشنفکران ایرانی اوایل عصر قاجار، تزار روس پتر اول برای این نقش مناسب بود.

اگر چه ایران و روس از نیمه دوم قرن پانزدهم، ارتباط تجاری و سیاسی داشتند اما از اوایل قرن نوزدهم، پتر کبیر کشورش را به عنوان قدرت اصلی در منطقه مطرح نمود و توجه خود را به ایران معطوف داشت. پتر کبیر که مشتاق رقابت با دولت‌های امپریالیستی اروپای غربی به ویژه انگلستان بود، به ایران به عنوان گذرگاهی برای رسیدن به هندوستان و آب‌های گرم اقیانوس هند، می‌نگریست و امیدوار بود که مستعمرات روسیه را در امتداد ساحل دربند از غرب تا استرآباد در جنوب شرق، گسترش دهد. بعد از مرگ پتر، کاترین

### مآثر سلطانیه

تاریخ جنگ‌های ایران و روس

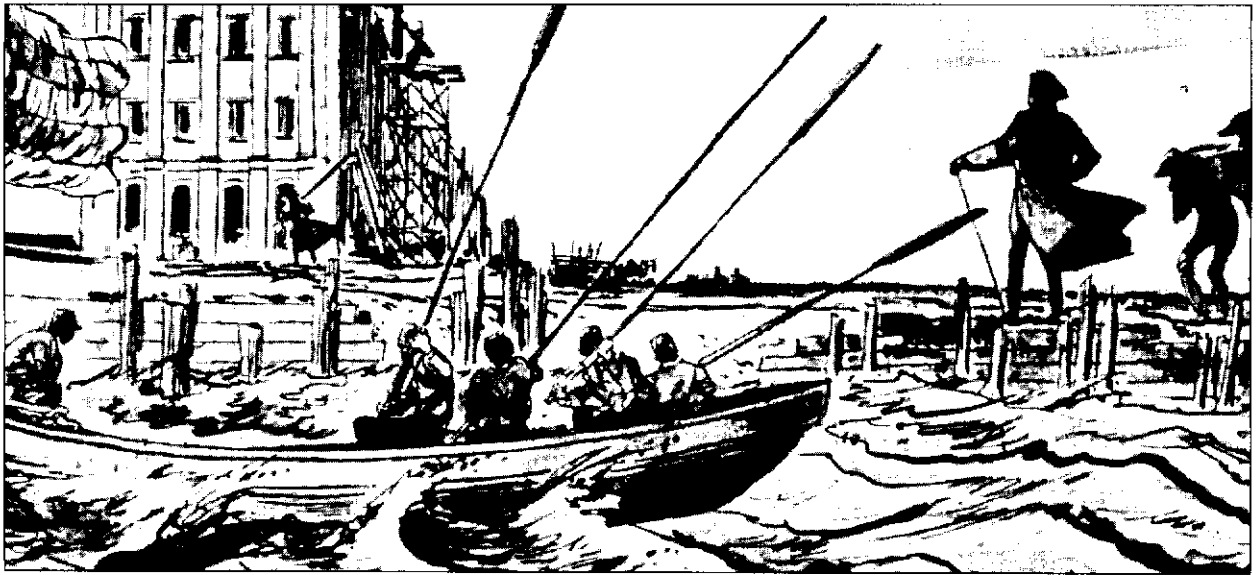
اثر

مبارزات نئون فانی مشی دیوان  
عباس میرزا (۱۸۱۳-۱۸۴۸)

با مقدمه و ترجمه

استادان عالی‌مقام





## تحلیل میان متنی منابع اوایل قاجاریه که در این مطالعه مورد آزمون قرار گرفت تایید می نماید که روشنفکران و اصلاح طلبان قاجار دارای دیدگاه های مشترکی بودند، مواد مکتوب را مبادله می کردند و روایت های تاریخی یکدیگر درباره روسیه و اروپا را به هم وام می دادند

می دهد. این عنوان، هر دو جزء مذکر و مؤنث را دربر داشته و اشاره بر این دارد در صورتی که فرمانروایی بخواهد به مقام پادشاهی ارتقاء یابد، عنصر قوی مرد بودن الزامی است.

گفت وگویی زیر در عالم آرای نادری میان نادرشاه و گروهی از تجار روسی ساکن در رشت حیرت آنها را درباره این موضوع شرح می دهد: «نواب صاحبقران از جماعت تجار احوال و پرسش پادشاهی آقایانو نمودند که: زن چگونه پادشاهی می کند، و ارکان دولت او چگونه خدمت می نمایند؟ ایشان گفته بودند که: پادشاهی ما به ارث می باشد از زمان عیسی تا حال آبا و اجداد ما ذکوراً و اناثاً خدمت آن درگاه می نمایند. خواه زن باشد و خواه مرد از ما طایفه خللی را نمی یابد.»

در الحاق جنسیت ها در عبارت دیگری از عالم آرای نادری، کاترین در زاویه دید مطلوب تری نسبت به رقیب مرد وی، اشرف افغان، قرار می گیرد: «ولایت رشت و خطه لاهیجان را نیز آقایانو پادشاهی آروس لشکر فرستاده تصرف نمودند و اشرف شاه بالکلیه خاطر از مهم مملکت گیری پرداخته، به عیش و خرمی اشتغال نمود.»

افزون بر این در گزارش های افشاری به کارگیری کلماتی همچون «یگانگی» و «اتحاد» و عباراتی مانند: «یقین حاصل است که جدایی فی مابین این ولایت و آن ولایت متصور نیست» نشان می دهد که افشاریان دو امپراتوری را به عنوان «شرکای همتراز» تلقی می نمودند. در واقع، نادرشاه تا آن جا پیش رفت که به تزارینا پیشنه داد ازدواج داده به طوری که: «این دو دولت یکی شود» این موضوع فقط به منظور پیوند دو جنس نبود، بلکه به خاطر اتحاد دو ملت ایران و روس بود.

در تاریخ جهانگشای نادری استرآبادی عبارات متعددی قدرت نیروهای نادر در بیرون راندن روس ها از خاک ایران را می ستاید. در بسیاری موارد استرآبادی این گونه به نادرشاه اشاره می کند: «کسی که نیروها را به رشت و لاهیجان برای بیرون راندن روس ها از مرزهای ایران فرستاد... و اگر روسیه نیز در تخلیه ولایات اهمال نماید... چون بلای ناگهانی و نوازل آسمانی، یعنی دلاوران عرصه جانفشانی را، بر در خانه ایشان مهمان سازد.»

این گفت وگو دیدگاه غیر معمول شاهزاده جوان نسبت به شرایط سیاسی وخیم ایران و درک او از محدودیت های خود در بهبود بخشیدن به آنها را نشان می دهد.

### تصویر پتر اول در تاریخ نوشته های افشاری

تحلیل تفاوت بین گزارش های قاجاری از تزارها و تزاریان روسی و گزارش های آغازین، به ویژه گزارش های مربوط به دوره افشاری، پیوندهایی میان تصور قاجاریان را از خویش و شخصیت قهرمانانه پتر کبیر آشکار می سازد.

با بررسی دو منبع افشاری یعنی، تاریخ جهانگشای نادری میرزا مهدی خان استرآبادی و عالم آرای نادری محمد کاظم مروی، دو نوع گرایش متجلی می شود: ابتدا، این که نخبگان سیاسی پیش از قاجار، روسیه را به عنوان یک قدرت نظامی و سیاسی برتر در نظر نداشته بلکه به عنوان قدرتی همتراز که با آن می توان به رقابت برخاست، می نگریستند و دوم این که، متون قبل از قاجار بر کاترین کبیر تأکید داشته و به طور کلی تمرکزشان بیشتر بر دولت سلطنتی روسیه بود تا شخصیت و اعمال پتر.

این حالت ممکن است به این دلیل باشد که شرایط موجود در روسیه زمانی که پتر اول اصلاحات خویش را از سر گرفت، شباهت بیشتری به اوضاع ایران عصر قاجار داشت تا به شرایط در طول فرمانروایی کاترین.

افزون بر این، این حقیقت که کاترین یک زن بود احتمالاً با درک دستاوردهای کاترین توسط اصلاح طلبان اوایل قاجار ارتباط داشته است و به همین دلیل بوده که آنان به خود اجازه داده اند تا وی را به عنوان یک حکمران و سیاستمدار به رسمیت بشناسند.

برتری کاترین بر پتر نشانگر این نکته بود که نخبگان سیاسی قبل از قاجار اگر چه به طور صریح از تصور این که یک زن حاکم باشد، شگفت زده بودند، با وجود این، موضوع جنسیت کمتر از همتایان قاجاری آنها را مورد تهدید قرار می داد. ترجمه فارسی لقب شاهانه «تزارینا» به عنوان «آقا بانو پادشاهی آروس» برداشت مردانه مبهمی را از یک پادشاهی زن غربی در طول دوره افشاریه نشان

مجسمه نیم تنه میرزا صالح، کار E.W.Siever، پیکر تراشی انگلیسی که در سال ۱۸۲۲ م، در لندن از سنگ مرمر تراشیده شده است.



یورپ سیاحت نمود و در هر جا هر چه پسندیده فرا گرفت. حتی در امر جهازسازی مدت‌ها نزد استادان آن کار به مزدوری ماند تا تعلیم نیکو یافت و به ملک خود عود نمود<sup>۱</sup> می‌ستاید. کلمه‌ای که در این گفتمان discourse به طور مکرر ظاهر می‌شود کلمه «انتظام» بوده که براساس ریشه عربی «نظم» می‌باشد. این کلمه تقریباً همواره در اشاره به اصلاحات غربگرایانه پطر مطرح شده و مخالف «بی‌نظمی» یا «آشفته‌گی» به کار رفته است که اغلب وضعیت امور کشور را قبل از این که به اصلاحات، جامعه عمل پوشانیده شود، توصیف می‌کند. دیدگاه شوشتری به ویژه از آن رو حائز اهمیت است که نشانگر این است که هند و الهه افسانه‌ای آن کشور نقشی مهم در شکل‌گیری اولیه گفتمان جهت تحول همزمان با اواخر قرن هجدهم ایفاء نموده است.

تا پایان دهه دوم سده نوزدهم یک هسته مرکزی از ایرانیان تحصیل کرده، اصلاح‌طلبانی که به اروپا مسافرت کرده و به زبان‌های انگلیسی و فرانسه آشنا بودند، تشکیل یافته بود.<sup>۲</sup> اغلب آنان دانش مستقیمی از دنیای اروپایی نوین و اعتقادی راسخ مبنی بر این که آنها باید چیزی از آن باشند، داشتند. از جمله آنها شاهزادگان، وقایع‌نگاران، دیپلمات‌ها، و دانشجویانی بودند که برای ماموریت‌های تحصیلی به غرب اعزام می‌شدند. بسیاری از افراد این گروه هم‌دیگر را می‌شناختند و به طور منظمی با یکدیگر به تبادل عقاید می‌پرداختند. تحلیلی از نوشته‌های این گروه نشان می‌دهد که آثار آنها در شکل‌گیری یک گفتمان، تحول‌ساز بوده است.

بررسی دقیق گزارش‌های آنان نشان از اشتراک در اعتقادی راسخ دارد مبنی بر این که کاربرد بسیاری از دستورالعمل‌های یکسان در رساندن اروپای غربی و روسیه به سطح موجود پیشرفت در ایران نیز می‌توانست کارایی داشته باشد.

به عنوان وارث مسلم و فرمانروای آذربایجان، اداره امور خارجه به عباس میرزا (۱۸۳۳ - ۱۷۸۸ م) واگذار گردید. او شاید طرفدار پرو پا قرص تلاش‌های پطر بود. از جمله ویژگی‌های پطر که عباس میرزا به آن ارج می‌نهاد خوش‌بینی و میل شدید او به اصلاحات، علاقه‌اش برای سفر به اروپا و مشاهده پیشرفت‌های دست اول صنعتی و تکنولوژیکی، اعزام دانشجویانی برای

در عبارت دیگری، استرآبادی به موفقیت نادرشاه در بیرون راندن دشمن اشاره می‌کند: «امروز پادشاهی حق آن حضرت است که به آب شمشیر آتشبار خاک ایران را از دشمن باپیما پرداخته و به برق تیغ صاعقه بار آتش بر خرمن هستی اعزاء انداخته»<sup>۳</sup>.

تاریخ نوشته‌های افشاری، به مانند آنچه شرحش در بالا آمد، بازتاب یک قطعیت و اطمینان است در توانایی ایران در حفظ کیان خود به هنگام رویارویی با دشمن که به طور روشن در گزارش‌های تاریخی اوایل قاجار چندان واضح و شناخته شده نیست. حالتی آشکار از ناامنی و اضطراب درباره آینده ایران در وضعیت جدید بین‌المللی در گزارش‌های اواخر قرن هجدهم شروع به نمود می‌نماید. در کنار این اظهارات که حاکی از ناامنی است، مباحث مربوط به پطر اول و اصلاحات غربگرایی او وجود دارد.

### تصویر پطر اول در گزارش‌های تاریخی اوایل قاجار

یکی از گزارش‌های اوایل قاجار درباره پطر کبیر، کتاب تحفة‌العالم میرعبیداللطیف شوشتری است که در سال ۱۸۰۱ م. تألیف شده است. شوشتری از ایران به «حیدرآباد» [هند] مهاجرت کرد و در آن جا با چند انگلیسی که از کارمندان کمپانی هند شرق بودند، طرح دوستی ریخت.

او در کتاب خود، تحفة‌العالم، در مورد برداشت‌هایش درباره انگلیسیان و دیگر اروپاییان می‌گوید: «هفتاد سال قبل از این اروسیه مردمان جنگلی و از قبیل حشرات الارض بود»<sup>۴</sup>.

وی سپس پطر را به عنوان «پادشاهی که با پادشاه قهار نادرشاه معاصر بود» و با پایه‌ریزی اساس حکومت، «سلطنت را مانند ایران به نفاذ امر گذاشت و در آداب لشکریان و فن سپاهیگری گرده از فرنگیان برداشت» و روسیه را دگرگون ساخت، توصیف می‌کند.

شوشتری شکست ایران از روسیه را ناشی از آشفته‌گی حکومت ایران می‌دانست: «افسوس و صد هزار دریغ که در سلطنت آن کشور انتظامی نیست» و تأکید می‌کرد که پطر «به درستی ریاست و انتظام ملک همت گماشت». وی پطر کبیر را به خاطر این که «بیست سال کمایش در اطراف عالم خاصه در



پتر کبیر در سفر به اروپا،  
علاقه خود را به کشتی سازی نشان داد.

تلاش کند، دانش کلان کسب کند و از زنان دوری گزیند. او اغلب شب‌ها را صرف خواندن و مطالعه می‌کرد. من تعداد کمی از ایرانیان را دیده‌ام که درباره ادبیات و علوم غرب آگاهی داشته باشند. افزون بر این او علاقه‌مند به دانستن عواملی است که موجبات پیشرفت غرب را فراهم کرده و آماده برای کنار گذاشتن تمامی رسوم ملی و مذهبی برای پیشرفت کشور و در نتیجه برقراری هرگونه اصلاحات ضروری، نظامی یا در غیر این صورت، همگام شدن باخطوط غربی است.»<sup>۱۲</sup>

چون عباس میرزا در تبریز، مقر فرمانروایی آذربایجان، اقامت داشت با سیاستمداران و مقامات بلندپایه خارجی مستقر در آن جا برخورد کرد. وی به نیت علم‌آموزی از آنان پذیرایشان گردید. برای ولیعهد فرانسه و اروپا تجسمی از علوم نوین و پیشرفت‌های تکنولوژیکی و مادی بودند. عباس میرزا مشتاق بود تا تبریز را به دروازه ورود عقاید اروپایی مبدل سازد. در بسیاری از گفت‌وگوهای دیگرش با ژوبر سفیر فرانسه - که پیمان دوستی با شاهزاده تاجدار منعقد کرده بود - عباس میرزا پرسید:

«آنچه توانایی است که شما را تا این اندازه از ما برتر ساخته است. دلایل پیشرفت شما و ضعف ثابت ما کدام است. شما هنر حکومت کردن، هنر فیروزی یافتن، هنر به کار انداختن همه وسایل انسانی را می‌دانید؛ در صورتی که ما گویی محکوم شده‌ایم که در لجنزار نادانی غوطه‌ور باشیم و به زور درباره آینده خود می‌اندیشیم. آیا قابلیت سکونت و باروری خاک و توانگری مشرق زمین از اروپای شما کمتر است. شعاع‌های آفتاب که پیش از آن که به شما برسد نخست از روی کشور ما می‌گذرد آیا نسبت به شما نیکوکارتر از ماست؛ آیا آفریدگار نیکی دهش که بخشش‌های گوناگون می‌کند خواسته که به شما بیش از ما همراهی کند؟ من که چنین یاور ندارم. ای بیگانه به من بگو که چه باید بکنم تا جان نازهای به ایرانیان بدهم؟ آیا من هم باید که مانند تزار مسکوی که کمی پیش از این از تختش پایین آمد تا شهرهای شما را تماشا کند از ایران و تمام این دستگاه پوچ ثروت دست بکشم؟ یا بهتر این است که به مرد خردمندی بچسبم و هرچه را که یک شاهزاده باید بداند از او بیاموزم؟»<sup>۱۳</sup>

در این جا، شاهزاده به مسافرت‌های مکرر پتر به اروپا و به هر گوشه از این

تحصیل در کشورهای اروپایی، حمایت از پروژه‌های ترجمه به نیت انتشار و نشر ترجمه‌های آثار اروپایی بودند.

در واقع یکی از مهم‌ترین گام‌هایی که عباس میرزا برای افزایش دانش اجرایی غرب در ایران برداشت احداث کتابخانه‌ای مشتمل بر آثار نویسندگان فرانسوی، انگلیسی و روسی و ارتقاء بخشیدن به ترجمه کتب و مقالات به زبان فارسی بود. از جمله مهم‌ترین آثار اروپایی که به فرمان عباس میرزا به فارسی برگردانده شد، آثار روشنگرانه و فرهیخته‌ای مانند انحطاط و سقوط امپراتوری روم اثر گیبون (Gibbon) و آثار ولتر (Voltaire) تحت عنوان تاریخ روسیه و شارل دوازدهم پادشاه سوئد بود.<sup>۱۴</sup>

عباس میرزا به امید کشف اسرار پتر در موفقیت‌های نظامی، پویایی شخصی او و نقش وی به عنوان سلطانی ماهر، نوآور و تحمیل‌کننده نظم، نظر می‌دوخت. پتر توانایی بالقوه‌ای برای دستیابی به موفقیت در محدوده وسیعی از فعالیت‌ها را دارا بود. او کشتی می‌ساخت، کشتی‌ها را هدایت می‌کرد اولین ناوگان روسیه را پدید آورد، نیروهای شبه نظامی فتودال را که دچار هرج و مرج بودند، همزمان با تأسیس آکادمی‌ها، با سازماندهی مجدد به ارتشی منظم و متمرکز تبدیل نمود، شهرهایی بنا کرد، نقشه‌هایی طرح‌ریزی نمود، به اصلاحات دینی جامعه عمل پوشاند و امور اجرایی کشورش را به خوبی اداره می‌کرد.

عباس میرزا به ویژه با سرمشق‌گیری از پتر به تعلیم خود قبل از این که به آموزش افراد تحت فرمان خود مبادرت ورزد، مصمم شد. او دروسی را در زمینه ریاضیات از یک معلم خصوصی فرانسوی فرا گرفت و گفته شده که وی تئوری‌های علمی کوپرنیک (Copernicus) و نیوتن (Newton) را در ایران اشاعه داده است.<sup>۱۵</sup>

موریس فون کوتز بونه (Vonkotzebue Moritz) افسر روسی ساکن آذربایجان در آن زمان، تا آن جا پیش رفت که از عباس میرزا به عنوان «پتر کبیر آینده» ایران نام برد.<sup>۱۶</sup> آگوست بونتمز (Auguste Bontems)، ژنرال فرانسوی که برای آموزش سربازان ایرانی در سال ۱۸۰۷ م. به ایران سفر کرده بود می‌نویسد:

«عباس میرزا معتقد است که به خاطر موفق شدن، انسان باید به سختی



ولتر

قلمرو بی کران اشاره می‌کند «تا هر چیز را خود ببیند» و اگر نیازی باشد «شخصاً» بر روی پروژه‌های عظیم خود، که در یک مورد شامل استفاده از بیل و کلنگ و فرغون برای آموزش حرفه‌ی حفاری کانال‌ها به کارگران می‌شد، کار کند. در واقع، عقیده کسب دانش از طریق تجربه یا یادگیری با انجام دادن آن در متنی از یک کتاب تحت عنوان تلماک فتلون (Fnelon's Tlmaque) - که در آن نویسنده اصول زمامداری خوب را در چهارچوبی روشنگرانه شرح می‌دهد - ذکر گردیده است. این عقیده، همچنین چندین مرتبه در کتاب تاریخ روسیه<sup>۱۱</sup> اثر ولتر ظاهر می‌گردد. این عقیده بر اهمیت اصل تجربه‌گرایی تأکید دارد و بر واقعیت‌های قابل مشاهده به عنوان اساس دانش و عمل، اهتمام می‌ورزد. ولتر این بُعد از شخصیت پتر را این‌گونه ترسیم می‌کند: «او تصمیم گرفت چند سالی را خارج از قلمروهای خویش به قصد یادگیری بهتر اداره آنها سپری کند. او نمی‌توانست بر میل قوی خویش مسلط شده تا با چشمان خودش و در حقیقت با دستان خویش آموزش دریانوردی و مهارت‌های دیگری را که لازم داشت در روسیه به کارگیرد، کسب کند.»<sup>۱۲</sup>

اگرچه عباس میرزا به طور مستقیم سخنی از پتر کبیر به میان نمی‌آورد زمانی که می‌پرسد: «آیا بهتر این است که به مرد خردمندی بچسبیم و هر چه را که یک شاهزاده باید بداند از او بیاموزم؟» اما متن به گونه‌ای قوی متضمن سفرهای پی‌درپی تزار روسیه به اروپا و تمامی دستاوردهای روسیه برای کسب تجربه هر چیز دست اول می‌باشد.

توصیفات پتر و دستاوردهای او نه تنها در سفرنامه‌های فارسی، بلکه در وقایع‌نگاری‌های اوایل عصر قاجار نیز ظاهر می‌شود. به عنوان مثال وقایع‌نگار اصلی عباس میرزا، عبدالرزاق دنبلی (۱۸۲۶-۱۷۵۳ م.)، در کتاب مآثر السلطانیة خویش می‌نویسد: «... بعد از مراجعت به ولایت خود مردم را حکم به سیاحت نمود و جماعت روس را که آن زمان حکم حیوانات و بهایم و سیاح را داشتند به دایره آمیت آورد.»<sup>۱۳</sup> این متن ادراکات اولیه قاجار را از آن چه قرار بود «پالایش شده» و یا «متمدن باشد» نقل می‌کند. دنبلی، همانند شوشتری تهذیب و تمدن را با فرمانروایی پتر اول همسنگ پنداشته است و تأکید بر این دارد که چنین ویژگی‌هایی فقط در نتیجه تلاش‌های پتر در داخل روسیه به ثمر رسیده است. سیاق به کار رفته در این جا نشان می‌دهد که روسیه تا زمانی که پتر آن را با خلاقیت خود کشف و متحول ساخت، وجود نداشته است. این مطلب همان چیزی است که از سوی ولتر پیشنهاد شد، زمانی که می‌گوید:

«روسیه، از زمان گرویدن به مسیحیت، هیچ نوع تأثیری را نمی‌پذیرفت... آنها پهناورترین سرزمین را در کل جهان دارا بودند و هر چیزی برای محقق شدن زمینه مناسبی را می‌طلبید: سرانجام، پتر متولد شد و روسیه نوین خلق گردید.»<sup>۱۴</sup> انتخاب این کلمات از سوی دنبلی در متن خویش دلالت بر این دارد که «تمدن» به عنوان نقطه مقابل «توحش» تلقی می‌شود.

مفوله‌های تحلیلی که تشکیل‌دهنده این نوع گفتمان هستند جزئی جدایی‌ناپذیر از شیوایی نوشته‌های روشنگرانه به شمار می‌روند.<sup>۱۵</sup> فلاسفه روشنگری از قبیل ولتر، اغلب جوامع را برحسب چنین تضادهای دوگانه مشخص می‌کنند. این مورد به ویژه در کتاب چارلز دوازدهم و هم در کتاب تاریخ روسیه مشهود است. عبارت زیر در اثر اخیر، استفاده ولتر از تضادهای متقارن را در بحث روسیه نشان می‌دهد: «مسکوی‌ها در مقایسه با مکزیکی‌ها زمانی که کورتز (Cortes) آنها را کشف کرد، کم تمدن‌تر بودند. آنها که همگی زادگانی بودند که به اندازه اربابان خویش وحشی بودند، نیازمند به تمامی هنرها و در بی‌خبری از آنها که باعث عدم رشد صنایع گردیده بود، غرق در جهالت خویش بودند.»<sup>۱۶</sup>

ولتر روسیه را ما بین اروپا و آسیا قرار می‌دهد و چنین مطرح می‌سازد که این کشور در جایگاهی مبهم میان «تمدن» و «توحش» به سر می‌برد. این دقیقاً همان ابهام در مورد روسیه است که اصلاح‌طلبان اوایل قاجار را مجنون این کشور و قهرمان سلطنتی آن می‌کند. بنابراین، توصیف‌هایی در مورد پتر به

عنوان متحول‌کننده روسیه و مردم این کشور، که با فصاحت روشنگرانه عجین می‌شد، به زبانی گزینشی تبدیل شد تا تحول در دولت و جامعه ایرانی را تحت تأثیر خود قرار دهد. به هر صورت، در جو حاکم بر ایران این گونه دوگانگی‌ها مفهوم تازه‌ای با واسطت گفتمان ولتری می‌یابد. دنبلی، همچنین از نقش تزار به عنوان قانونگذار و اصلاح‌طلب نظامی قدردانی می‌کند:

«تزار پتر چون به پادشاهی رسید قاعده‌ها نهاد و با صغرسن مانند سایر قراولت فرنگ مشق قاعده و نظام جنگ و آداب میدان حرب و تحصیل نام و ننگ می‌نمود»<sup>۱۷</sup> او مسافرت‌های پتر به هلند و انگلستان را در لباس یک درودگر برای یادگیری هنر دست اول کشتی‌سازی شرح می‌دهد. دنبلی اظهار می‌دارد که پتر طبیعتاً در یک ناولجنگی سکنی گزیده است و با نجاران چیره‌دست کار می‌کرد. دوباره دنبلی این تصور را به وجود می‌آورد که پتر تنها پس از کسب تجربه برای خودش به افراش آموزش می‌داد. این ایده روشنگری آرمانی را که علم باید از تجربه مستقیم ناشی شود، منعکس می‌کند. این گونه عبارات در کتاب مآثر السلطانیة دنبلی آشکارا براساس گزارش‌های میرزا صالح شیرازی در مورد پتر اول در گزارش سفرش<sup>۱۸</sup> می‌باشد و به شرح تأثیرات نظام‌های فرهنگی و سیاسی اروپایی و روسی یک دانشجوی جوان و به کارگیری آن در محافل تحصیلکرده می‌پردازد.

به علت تبادلات نظامی و سیاسی میان ایران و روسیه، شهر سن‌پترزبورگ مکانی بود که بسیاری از مأموران سیاسی ایران به آن جا مسافرت می‌کردند و در همان آغاز با دستاوردهای تزار پتر روبرو می‌شدند. یک هیأت اعزامی در سال ۱۸۱۳ م. / ۱۲۲۸ ه. ق. زمانی که میرزا ابوالحسن خان ایلچی برای مذاکره در انعقاد عهدنامه «گلستان» فرستاده شد به سن پترزبورگ روانه گردید. منشی آن هیأت اعزامی، میرزا هادی علوی شیرازی که جزئیات این ملاقات را ثبت می‌کرد، آنها را بعداً در کتابی تحت عنوان دلیل السفر تألیف کرد.

علوی یک بخش کلی را به شرح و توصیف سن‌پترزبورگ اختصاص می‌دهد. او تأکید می‌کند که:

«پتر سعی وافر نمود تا خانه‌ها و ساختمان‌های عمومی را بر طبق انگاره‌های غربی بنا کند، که این کار به ایجاد شهری بزرگ‌تر از هر شهر دیگری در اروپا انجامید... او جلگه را جهت پایه‌گذاری شهر سن‌پترزبورگ به کار گرفت.»<sup>۳۳</sup>

این باور که پتر شهری متمدن را بر روی زمینی نرم (مرداب) بنا کرد در تاریخ روسیه ولتر برای چندین بار ذکر می‌شود. به عنوان مثال ولتر چنین ادعا می‌کند که «... در آن محیط پرمخاطره مردابی که تنها از طریق یک راه به خشکی وصل می‌شد بود که او اولین شالوده سن‌پترزبورگ را بنا نهاد.»<sup>۳۴</sup> علوی تا آنجا پیش می‌رود که شخص امپراتور روس را به عنوان بزرگ‌ترین، باهوش‌ترین و فرهیخته‌ترین حکمران اروپا که مردم خویش را از ملوک‌الطوایفی نجات داده و به اروپا مسافرت کرده تا نجاری، کشتی‌سازی، مهندسی، طراحی ساختمان‌ها و متون نظامی بیاموزد، موردستایش قرار می‌دهد. علوی می‌گوید: پس از برگشت به روسیه، پتر ارتش خویش را بر طبق نظام اروپایی سازماندهی مجدد کرد.<sup>۳۵</sup>

شرح مسافرت دیگری از اوایل قاجار که توجه قابل ملاحظه‌ای را به دستاوردهای پتر اختصاص می‌دهد به وسیله میرزا صالح شیرازی - یکی از نخستین دانشجویان اعزامی عباس میرزا به غرب (۱۸۱۵ م.) برای ادامه تحصیل - تألیف گردید. میرزا صالح بعد از تکمیل تحصیلات در انگلستان به ایران بازگشت و به عنوان

دیپلمات، مشاور و مترجم در دربار شروع به کار کرد. او دفتر خاطراتی از سفر خود به انگلستان داشت که بعداً به نام گزارش سفر میرزا صالح شیرازی معروف شد. از آن جا که در سر راه خود به انگلستان در سن پترزبورگ توقفی داشت، دفتر خاطرات او برداشت‌های وی را در برابر اصلاحات پتر و کاترین در بردارد. یکی از اقدامات اساسی میرزا صالح برپا نمودن دستگاه چاپی به فرمان عباس میرزا در تبریز به هنگام بازگشت به ایران بود که به وی این امکان را می‌داد تا مشاهداتش را منتشر کند و مطمئن گردد که نسخه‌هایی از خاطراتش چاپ و پخش می‌شود.

میرزا صالح در شرح سفر خویش، خواننده را از این حقیقت آگاه می‌سازد که گزارشش از تاریخ روسیه و بنای سن پترزبورگ براساس متنی است که به وسیله فردی انگلیسی در سال ۱۸۱۱ م. منتشر شده است. همچنین او یادآور می‌شود که این متن را به کمک شخص خاصی به نام آقای ویلیامسن (Williamson) که به زبان فارسی تسلط داشته ترجمه کرده است.<sup>۳۶</sup> بنابراین، می‌توان باور کرد اطلاعات تاریخی موجود که هم در گزارش‌های میرزا هادی علوی و هم در گزارش‌های میرزا صالح شیرازی است براساس این ترجمه می‌باشد.

به کار بردن عنوان «آریاب صنایع» از سوی میرزا صالح اشاره‌ای است به تلاش‌های پتر کبیر برای آوردن مریبان اروپایی به روسیه برای تعلیم جوانان روسی، تأسیس آکادمی نیروی دریایی و برپایی چند مدرسه، بازگشایی کارخانه‌ها و آموزش علوم به مردم.<sup>۳۸</sup>

میرزا صالح در بحث خود از سن پترزبورگ، پایتخت پتر، می‌گوید: «تا به حال شهر به این خوبی و صفا و انتظام به این گونه عمارت ندیده‌ام.»<sup>۳۷</sup> او رویارویی پتر را با لیفور (Lefort) سوئیسی، که فرستاده دولت سوئیس به روسیه بود، بازگو می‌کند.<sup>۳۹</sup> میرزا صالح می‌نویسد: «چنانچه امر مزبور روی نمی‌داد شاید دولت روس و مردم روس الی حال در حال سبوعیت و جهالت باقی

می‌مانند...

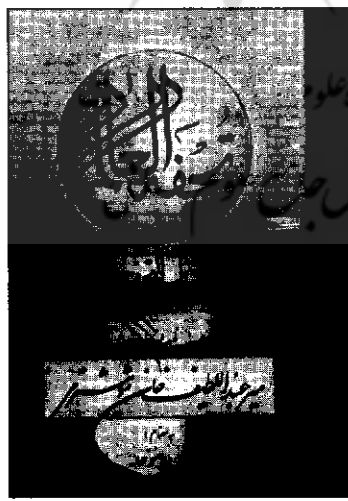
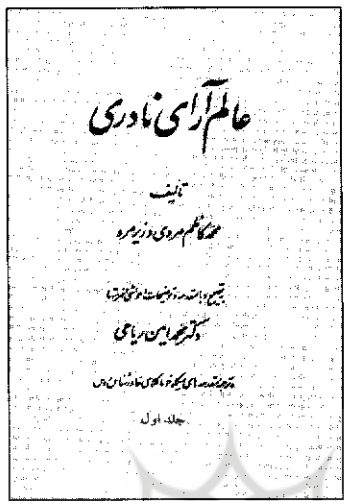
پتر از قابلیت و استعداد او شیفته شده بنا را به تحقیقات امورات ولایتی گذارده و گاه و بیگاه او را طلبیده از او تحقیقات نموده بعد از چندی از قرار تقریر لیفور مزبور پتر متأثر شده زیاده از در مصاحبت بیرون آمده یک دفعه پتر را یقین می‌شود که در متن واقع نه مردم روسیه را می‌توان آدم دانست و موازنه بسیار مردم فرنگ نمود و نه خود را آدمی دانسته که تواند دم برابری با سایر پادشاهان زده<sup>۴۰</sup>. به عقیده میرزا صالح، این گفت‌وگو چشم پتر را بر این حقیقت باز کرد که «سبب زینت ولایت فرنگ انتشار علوم و صنایع و آداب‌دانی است. [اگر کشورش این‌ها را کسب نمی‌کرد] ولایت او به کلی بی‌بهره هستند.»<sup>۴۱</sup>

میرزا صالح در طول اقامت خود در سن پترزبورگ، مدتی کوتاه با هادی علوی هم‌خانه گردید. مقایسه‌ای بین عبارات «گزارش سفر» و «دلیل السفرا» نشان می‌دهد که چگونه روشنفکران ایران همانند این دو، اطلاعات تاریخی روسیه را که در دسترس بوده مورد تبادل و قرینه‌سازی قرار داده‌اند تا با اهداف سیاسی آنها مطابقت کند. افزون بر این، میرزا صالح و میرزا ابوالحسن در گرده‌هایی مختلف اجتماعی حضور می‌یافتند که در آنها تبادلاتی رخ می‌داد که بی‌هیچ شکی مواجهه با روندهای روشنفکری اروپایی رایج را تسهیل می‌نمود.

هیأت سیاسی دیگری در سال ۱۸۲۹ م. به سن پترزبورگ عزیمت نمود. خسرو میرزا (پسر عباس میرزا) و همراهانش به پایتخت روسیه روانه شدند تا عذرخواهی‌های رسمی دولت ایران را به خاطر قتل گریبیدوف (Griboedov)، سفیر روسیه که به وسیله جمعی از مردم در تهران به قتل رسیده بود، تقدیم کنند. مصطفی خان افشار به عنوان منشی کل هیأت اعزامی به گونه‌ای دقیق فعالیت‌های سفر را ثبت کرد، که بعداً تحت عنوان سفرنامه خسرو میرزا به سن پترزبورگ گردآوری و به چاپ رسید.<sup>۴۲</sup> مأموریت این هیأت یازده ماه به طول انجامید که طی آن نماینده ایرانی برای مشاهده پیشرفت‌های صنعتی، فنی، فرهنگی و آموزشی که روسیه را به سطحی نوین از برتری رسانده بود، فرصتی مناسب داشت. افشار در واکنش به آنچه هیأت اعزامی در روسیه با آن مواجه شد با حیرت اظهار داشت:

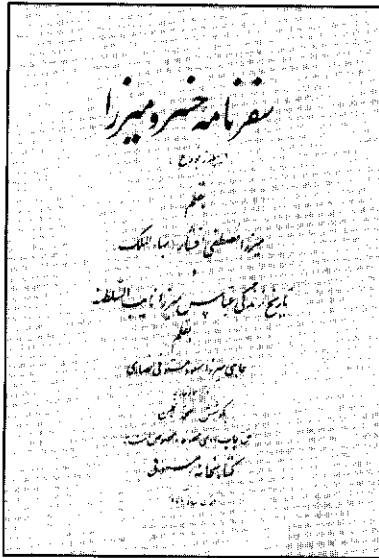
«بالفعل طایفه‌ای که مثال وحوش و بهایم بودند، در مدت یکصد و بیست و اند سال مجموعه فنون و صنایع گشته و دولتی که آنآ فأناً در تبدیل و تغییر بود، نظام و استحکام دائمی گرفته است و یوماً فیوماً در ترقی و تزاید است.»<sup>۴۳</sup> افشار با یکسان فرض کردن علم و تکنولوژی با تغییر شکل اجتماعی از یک حالت توحش به حالتی از قدرت و ثبات، منعکس‌کننده عبارت زیر از کتاب تاریخ روسیه اثر ولتر می‌باشد که در آن، فیلسوف دستاوردهای تزار را می‌ستاید: «هنرهایی که او با دستانتش به سرزمین‌ها هدیه کرد - که بعضی از آنها در زمان توحش بودند - با به ثمر رسیدن، به نیوغ او گواهی داده و یاد او را جاودان نمودند. آن هنرها امروز برای آن سرزمین‌ها که او آن‌ها را به آن جا آورده بود بومی به نظر می‌رسند. قانون، خط مشی‌ها، سیاست، انضباط نظامی، نیروی دریایی، تجارت، تولیدات، علوم و هنرهای زیبا، پیشرفت بشری را در پنجاه سال به وجود آورد که از پیشرفتی که ظرف پانصد سال نصیب هر ملت دیگری به تنهایی گردیده بود، افزون‌تر بود.»<sup>۴۴</sup>

افشار ادامه می‌دهد: «پتر بزرگ از دولت‌های دیگر نوکرهای صاحب علم





طرحی از چهره عباس میرزا



ایشان گفتند که هزینه‌های همه مدارس روسیه را دولت جمع‌آوری می‌کند. افشار به این امر چنین واکنش نشان داد:

«می‌توان از ارباب علوم فرنگ چند نفر را به ایران آورد و یکی از مدارس را برای اولاد نجبای آن ملک تعیین نمود و آنها را در آنجا جمع کرد و چند نفر از مردمان صاحب اخلاق را به سرپرستی آنها تعیین کرد که هم علوم ایران را از مدارس ایران یاد بگیرند و هم علوم فرنگ را از معلمان فرنگ... در این صورت برای دولت چه از سپاهی و چه از اهل قلم خدمتکارهای کامل و قابل به هم می‌رسد که به اوضاع عالم بر سبیل تفصیل عالم و آگاه باشند. سپاهی را مانند سپاه سایر دولت‌ها نظم و ترتیب دهند، امور ملکیه را چون سایر ممالک منظم دارند، از حسن تدبیر ایشان روزه‌روز بر رونق و آبادی مملکت می‌افزاید.»<sup>۲۸</sup>

زبان به کار گرفته شده در این جا، حاکی از اعتقاد راسخ و احساس تعهد اصلاح‌طلبان اولیه قاجار نسبت به آموزش و پرورش و تشخیص رابطه مستقیم میان آموزش و پرورش و شکوفایی سیاسی و اقتصادی است که در نیمه سده نوزدهم اوج خویش را در تأسیس «دارالفنون»، نخستین نهاد آموزش عالی نو در ایران نشان می‌دهد.



خاطرات تاج السنطه

○ نقش منابع مکتوب در تصور ایرانیان از پتر کبیر

اگرچه بسیاری از تصورات برجسته پتر کبیر راه خود را از طریق مبادلات شفاهی تماس با اروپا و مسافرت مستقیم به ایران باز کرد، نباید از شیوه‌های مکتوب انتقال غفلت کرد. نوشته‌های ترجمه شده ولتر در این دوره انتشار یافت. فیلسوف (ولتر) هیچ‌گاه به روسیه نرفته بود. زندگی نامه دوجلدی پتر، نوشته او، «تاریخ روسیه»، به مثابه سفرنامه‌ای نیابتی از کشور به حساب می‌آید. با این وجود، این امر در ساختمان و استحکام تصویر روشنفکرانه پتر، این تزار روسی که تحقق آن «زمانی طولانی‌تر از عمر یک نسل» را می‌طلبد، تأثیر داشت. هدف سیاسی از زندگی‌نامه ولتر ارتقای طرح «خودکامگی

به خدمت خود دعوت کرد و در اندک زمانی میان اهل ولایت خود منتشر نمود.»<sup>۲۹</sup> او همچنین بر تمرکز علم و کسب دانش برای رسیدن به کامیابی و امنیت یک کشور تأکید دارد:

«علم است که معارف را به تصاریف ایام سالفه و انقلابات قرون ماضیه آگاهی می‌دهد و ایشان را به احتراز و اجتناب از مواد اختلال مملکت وامی‌دارد. علم است که معارف را بر حُب وطن و آسایش و ایمنی متوطنین از شر دشمن که متضمن نیکنمایی دنیا و مَثوبات عقیبی است، دعوت می‌کند و به این وسیله غیرتی در عموم اهالی مملکت پدید می‌آید. علم است که معایب تجدد سلسله سلطنت و محاسن بقای آن را در سلسله واحد به معارف تعلیم می‌کند و برای حفظ امنیت، در این باب به کلمه واحده و هیأت مجتمعه بذل جهد موفور به تقدیم می‌رساند. علم است که منافع و مضار مملکت از حیث تجارت و غیره جلب و دفع آن را تشخیص می‌دهد و به آن واسطه رونق ولایت و ثروت اهل مملکت روزبروز فزایش می‌پذیرد نمونه این اجمال احوال پتر بزرگ است که به واسطه علمی که خود به اوضاع عالم به‌م‌رسانید...»<sup>۳۰</sup>

بنابراین، از دیدگاه افشار کسب دانش، قدرت تغییر شکل دادن به جامعه را به وجود می‌آورد و راه را برای رفاه ملی هموار می‌کند. این نکته که تقدم تغییر مردمی جهت تغییر شکل دولت ضروری است در کانون توجه این نوع گفتمان قرار دارد. افشار پتر را به عنوان شخصیتی سیاسی که بدین هدف دست یافته است به شمار می‌آورد.

جالب توجه این که در این هیأت، نخست‌وزیر آینده ایران، میرزا تقی خان امیرکبیر، نیز حضور داشت. شرکت امیرکبیر در مبادلات روشنفکرانه که به ساخت و استحکام این نوع گفتمان انجامید به اصلاحات آموزشی که او خود حدود بیست سال بعد به اجرا درآورد، سرعت داد. هیأت به ویژه تحت تأثیر اصلاحات آموزشی پتر قرار گرفت. هنگام مسافرت این هیأت میزبانانشان به



روشن‌بینانه» بود که خط‌مشی‌های شمار وسیعی از سلاطین اروپایی جهت دگرگونی فرهنگی را هدایت می‌کرد. بسیاری از نقل‌قول‌های اصلاح‌طلبان اولیه قاجاری که تنها شمار اندکی از آنها در بالا بیان شده است، پژواک اندیشه‌ها و زبان ولتر است. این امکان وجود دارد که ترجمه‌های برخی از این مقاله‌ها را عباس‌میرزا و اعضای تحصیل‌کردهٔ دربار او با دقت خوانده و در نتیجه دیدگاه آنان تحت تأثیر پتر کبیر و روسیه قرار گرفته باشد. ممکن است اطلاعاتی در مورد زمان دقیق اولین ترجمهٔ تاریخ روسیه و شارل دوازدهم ولتر به فارسی در دست



پتر در سفر به اروپا علاقه خود را به صنعت کشتی‌سازی نشان داد.

نباشد، اما می‌دانیم که ترجمهٔ این متون را عباس‌میرزا اندکی قبل از وفاتش به سال ۱۸۳۳ م. سفارش داد.<sup>۳۳</sup> بنابراین، می‌توان با اطمینان نتیجه‌گیری کرد که نسخه‌هایی از این آثار یا در فرانسه یا در ایران در حلقه‌های روشنفکری، در سه دههٔ اول سده نوزدهم در تبادل بوده است. اما آنچه در گسترش اطلاعات دربارهٔ روسیه و اصلاحات پتر سومند افتاد آثاری بودند که دیپلمات‌های اروپایی با خود به ایران می‌آوردند مانند گزارش انگلیسی از روسیه ترجمهٔ ویلیامسن که در بالا ذکر شد. بخش‌هایی از این متن نیز حکایت از آشنایی با نگارش روشنگرانه دارد. در نتیجه، یک متن سده نوزدهمی بریتانیایی دربارهٔ روسیه را زندگی‌نامه پتر اول نوشته ولتر و سایر نوشته‌های روشنگرانه می‌توانست به طور کامل، گاه سازد. با وجود این، نافذترین شیوه تبادل این آراء مبادلهٔ کلامی میان ایرانیان تحصیل کرده بود که بسیاری از آنان برانگیخته از مشاهدات انتقادی حاصل از مسافرت‌های روسیه بودند.

عثمانیان نیز از دستاوردهای پتر اول الهام گرفتند که باعث تقویت بیشتر تصور او در ایران گردید. به عنوان مثال، سلطان سلیم سوم (۱۸۰۷-۱۷۸۹ م.) اصلاحات تزار روسی را ارج نهاد. در واقع، هموطنان سلیم اغلب از او به عنوان امپراطور کبیر عثمانی یاد می‌کردند. از آن جا که مقامات ایرانی مداوماً پاسخ عثمانی به غربی شدن را مشاهده می‌کردند، تصویر پتر کبیر به واسطه تماس میان ایرانیان و ترک‌ها شکوه فزون‌تری یافت. به علاوه از آن جا که ترکی، زبان بومی عباس‌میرزا و دربار او بود آنها تمایل بیشتری به خواندن ترجمه‌های ترکی نوشته‌های اروپایی داشتند که اغلب از مرز عثمانی به آذربایجان وارد می‌شد.

نتیجه

با تأکید بر تلاش‌های قهرمانانهٔ روسیه و پتر در روایت‌ها، روشنفکران

قاجاری خود را قانع می‌ساختند که روزنهٔ امیدوی برای نجات کشور از ورطهٔ سقوط و دخالت خارجیان وجود دارد. از دیدگاه آنان، پتر نوآوری روشنفکر بود؛ آنها عناصری از خویش را در شخصیت و رفتار طلایه‌دارانه او می‌دیدند و او را به عنوان حاکمی که زمانی در وضعیت مشابه بوده، اما توانسته است بر همه موانع فایق آید و به اهداف خویش دست یابد، می‌شناختند. آنان اطلاعات مربوط به اصلاحات پتر را که در اختیار داشتند، خواه شفاهی، خواه مکتوب، دست‌چین می‌کردند و این آراء را در چارچوب پیوندها و مقایسه‌ها جهت آشتی دادن آنها با دستورالعمل سیاسی خود، به قالبی نو می‌ریختند. این امر به برقراری گفتگویی بی‌نظیر که نسبت به حساسیت‌های ایرانی هوشیار و با واقعیت تاریخی ایران در نیمه اول سدهٔ نوزدهم مطابق بود، انجامید. تحلیل میان‌متنی منابع اوایل قاجاریه که در این مطالعه مورد آزمون قرار گرفت تأیید می‌نماید که روشنفکران و اصلاح‌طلبان قاجار دارای دیدگاه‌های مشترکی بودند، مواد مکتوب را مبادله می‌کردند و روایت‌های تاریخی یکدیگر دربارهٔ روسیه و اروپا را به هم وام می‌دادند. در برخی از موارد، فرازهای مشترک و واژه‌های مشترک و واژه‌های یکسان به کار گرفته می‌شد تا پتر و اصلاحات او را توصیف نماید. اگرچه این موضوع قطعیت ندارد که اندیشمندان قاجار متون روشنگری واقعی را می‌خوانده‌اند، به نظر می‌رسد زبان آنها متأثر از این متون، به ویژه آیین نگارش ولتر بوده است. به کارگیری کنایی چنین تقابلی‌های دوگانه چون وحشی - متمدن و نظم - آشوب، و یا شرح سفرهای پتر به اروپا و رویکرد «موروثی» او در کسب دانش همگی چون اجزای جدایی‌ناپذیر واژگانی است که جهت فهرست کردن اصول روشنگری حکمرانی صحیح به کار رفته‌اند. اصلاح‌طلبان قاجاری آشکارا این مفاهیم را در کلیت خویش نمی‌پذیرفتند، اما در جست‌وجوی آن مفاهیمی بودند که فکر می‌کردند ممکن است با برنامه‌های آنها جهت تغییرات تناسب داشته باشد. اما به کارگیری چنین دوگانگی‌ها به یک مولفه برجسته در گفتمان تجدطلبی ایرانی در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم تبدیل گردید.

تا نیمهٔ سده نوزدهم، یک گفتمان خوب تدوین و برقرار شده بود که به سنگ اول بنای اصلاحات مطرح شده توسط روشنفکران قاجاری در نیمه دوم قرن تبدیل گردید و شالودهٔ نگارش سیاسی دوره مشروطه را حدود هفتاد و پنج سال بعد بنا نهاد. حتی تا سال ۱۹۲۵ م. شاهزاده خانم منورالفکر تاج‌السلطنه (متولد به سال ۱۸۸۴ م.) شخصیت قهرمانانه پتر را جهت اقدام به انتقادهای خود از حکومت برادرش مظفرالدین شاه مورد استفاده قرار داد.<sup>۳۴</sup> بنابراین، صلابت اندیشه پتر کبیر به عنوان شهادت‌نامه‌ای دال بر جهانی بودن میراث او نه تنها در میان اصلاح‌طلبان قاجار، بلکه در میان اصلاح‌طلبان سراسر خاورمیانه و دولت‌های بالکان استوار ایستاده است.

#### پی‌نوشت‌ها:

\* پیش‌نویس نخستین این مقاله در نشست سالیانه اتحادیه مطالعات خاورمیانه سال ۱۹۹۵ م. در واشینگتن دی. سی. ارائه گردید. از دکتر محمدعلی توکلی به خاطر سعه صدرشان در سهمی شدن عقاید و پیشنهادات وی با من، برای تجدیدنظر این مقاله سپاسگزارم. اظهارات هوشمندانه وی در این مقاله لحاظ شده است.

(این نوشتار ترجمه مقاله‌ای است از نشریه «مطالعات ایرانی» با این مشخصات: Iranian Studies, Vol 29, number 1-2, winter/ spring 1998.

۱. برای آگاهی از پتر اول و روسیه سده هجدهم بنگرید به:  
Marc Raeff, Problems in European Civilization: Peter the Great, Reformer or Revolutionary (Boston: Heath and Co., 1963); Muriel Atkin, Russia and Iran, 1780-1828 (Minneapolis: University of Minesota Press, 1980); Nicholas V. Riasanovsky, The Image of Peter the Great in Russian History and Thought (Oxford: Oxford University Press; 1985); J. G. Garrard, The Eighteenth Century in Russia (Oxford: Clarendon

Press, 1973).

۲- شیرازی، میرزا صالح، گزارش سفر میرزا صالح شیرازی، ویرایش: همایون شهیدی، تهران، راه نو، ۱۳۶۳، ش، ص ۱۱۶. چاپ دومی از این «سفرنامه» در سال ۱۳۶۴ ش. به چاپ رسیده است. بنگرید به: محسن میرزا صالح؛ مجموعه سفرنامه‌های میرزا صالح شیرازی، ویرایش: غلامحسین میرزا صالح، تهران، مجموعه متون و اسناد تاریخی، ۱۳۶۴ ش. در این جا، میرزا صالح مقاصد خود را با نوشتن شرح مسافرت خود مطرح می‌کند.

3- P. Am. Jaubert, Voyage en Armenie et Perse (Paris: E. Ducrocq, Libraire Editeur, 1821), 155-56.

۴- مروی، محمد کاظم؛ عالم‌آرای نادری، ویرایش: محمد امین ریاحی، ۳ جلد، تهران، کتابفروشی زوار، ۱۳۶۴ ش، جلد اول، صص ۳۲-۴۱.

۵- همان، صص ۱۱-۴۱، جلد دوم؛ صص ۶۱-۴۶ و صص ۴۹-۶۴۸، جلد سوم؛ صص ۷۶-۱۰۷۵.

۶- همان، جلد سوم، ص ۱۰۷۵. همچنین بنگرید به: پیرنیا، سید علی، خواستگاری نادرشاه از امپراتور روسیه، تهران، اطلس، ۱۳۶۵ ش.

۷- استرآبادی، میرزا مهدی خان، تاریخ جهانگشای نادری، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۸ ش، صص ۳۴۸ و ۲۴۲.

۸- شوشتری، عبداللطیف، تحفة العالم، (حیدرآباد، مطبعه شوکت الاسلام، ۱۸۰۱ م.)، ص ۲۶۱. مایلیم از دکتر توکلی به خاطر این که موجب گردیدند این بحث مورد توجه اینجانب واقع گردد، تقدیر به عمل آورم.

۹- همان، صص ۶۳-۲۶۱.

۱۰- میرزا صالح، گزارش پیشین، ص ۵۵؛ افشار، مصطفی، سفرنامه خسرومیرزا، ویرایش: محمد گلبن، تهران، کتابخانه مستوفی، ۱۳۴۹ ش، صص ۲۴۱-۲۳۸. این عبارات نشان می‌دهند که بعضی از اعضای دربار عباس میرزا با زبان فرانسه آشنا بوده‌اند.

۱۱- بنگرید به: آدمیت، فریدون، امیرکبیر و ایران، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۸ ش، ص ۱۶۳ و ۱۶۲.

Edward G. Browne, The Press and Poetry of Modern Persia (Cambridge: Cambridge University Press, 1914; repr. Los Angeles: Kalimat Press, 1983), 9.

۱۲- آدمیت، امیرکبیر، پیشین، ص ۱۶۲.

13- M. Von Kotzebue, Narrative of Journey into Persia in the suite of the Imperial Russian Embassy in the year 1817 (London, 1819), 162.

14- Auguste Bontems, The Letter of a French General during His short Trip to Turkey and Iran in the year 1807, trans. Mansoureh Ettehadieh as Safarnamah-yi Bontems (Tehran, 1975), 69.

15- Jaubert, Voyage, 156-57.

16- Voltaire, "Histoire de l'empire de Russie sous Pierre le Grand", in Rene Pomeau, ed., Oeuvres historiques (Paris: Edition Gallimard, 1957), 417-22, 527, 528, 565.

چندین نسخه انگلیسی از این اثر در سده هجدهم منتشر شده است، برجسته‌ترین آنها ویرایش اثر گردآوری شده ولتر توسط Tobias Smollet و همکاران وی می‌باشد. بر طبق عقیده Michael Jenkins (مترجم و ویراستار انگلیسی سال ۱۹۸۳ م.) به نظر می‌رسد هیچ‌گونه ترجمه جدیدی بعد از سال ۱۸۱۲ م. انجام نگرفته است.

17- Voltaire, "Histoire", 535.

۱۸- دنبلی، عبدالرزاق بیگ، مآثرالسلطنیه، ویرایش: غلامحسین صدری افشار، تهران، ابن سینا، ۱۳۵۱ ش، ص ۱۰۱.

19- Voltaire, "Histoire", 388.

۲۰- جنبش روشنگری را می‌توان به عنوان مرحله‌ای در فرآیند طولانی این جهانی کردن اندیشه غربی از قرون وسطی به بعد دانست. می‌توان، در منظر تاریخ آن را به عنوان اوج موقتی تلاش‌هایی جهت فراهم آوردن رویکردی معتبر در سراسر عالم جهت تبیین جهان به حساب آورد، که رویکرد الهیاتی ذهن قرون وسطایی رنگ باخته در وحی

و سنت کلیسایی، ثابت شده برای آن، ناکافی است. این جنبش در اصل حرکتی فلسفی متکی بر دلیل و تجربه بود تا بر جزم‌اندیشی و سنت و بر انسان‌دوستی، اهداف سیاسی و ترقی اجتماعی تأکید می‌ورزید.

(John G. Gagliardo, Enlightened Despotism [New York: Thomas Y. Crowell Company, 1967]).

Peter Gay, The Enlightenment: An Interpretation (New York: Vintage Books, 1968); Ernest

Cassirer, The Philosophy of the Enlightenment (Princeton: Princeton University Press, 1979);

Norman Hompson, The Enlightenment (London: Penguin Books, 1968); Leonard Krieger, Kings and Philosophers, 1689-1789 (Chicago: University of Chicago Press, 1970).

21- Voltaire, Histoire de Charles XLL (Paris: Garnier - Flammarion, 1968), 44.

۲۲- دنبلی، مآثرالسلطنیه، پیشین، صص ۱۰۱-۱۰۰.

۲۳- میرزا صالح، گزارش، پیشین، صص ۴۲-۱۳۷.

۲۴- علوی، میرزا هادی، دلیل‌السفر، ویرایش: محمد گلبن، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳ ش، ص ۱۳۳.

25- Voltaire, "Histoire", 445-46.

۲۶- علوی، دلیل‌السفر، پیشین، ص ۱۳۳.

۲۷- میرزا صالح، گزارش سفر، پیشین، ص ۱۱۶. من نتوانستم محل این متن را مشخص نمایم. مقایسه میان متنی بین عبارات این متن و گزارش سفر و دلیل‌السفر در تعیین این که چگونه این نویسندگان فارسی اطلاعات تاریخی را در گزارش‌های خود طبقه‌بندی می‌کردند، مهم خواهد بود.

۲۸- همان، ص ۱۲۸.

۲۹- همان، صص ۱۶-۱۱۵.

۳۰- فرانس لیفورته، ماجراجو و سرباز خوش‌شانسی بود که یک ژنرال روسی شد. وی تا زمان مرگش در سال ۱۶۶۹ م. یکی از صمیمی‌ترین و موثرترین دوستان پتر به حساب می‌آمد. به هر حال، وی فردی اهل بحث و جدل بود و در بین بعضی تحصیل‌کردگان به عنوان گمنام‌ترین مشاور پتر به شمار می‌رفت. بنگرید به:

R. P. Barlett, A. G. Cross and Karen Rasmussen, eds., Russia and the world of the Eighteen Century (Columbus: Slavica Publishers, Inc., 1988), 10, Eugene Schuyler, Peter the Great, Emperor of Russia: A study of Historical Biography (New York: Charles Scribner's and sons, 1890), 227, 231, 234.

۳۱- میرزا صالح، گزارش، پیشین، ص ۱۳۸.

۳۲- همان.

۳۳- افشار، سفرنامه، پیشین، ص ۱۴۳.

۳۴- همان، ص ۲۴۴.

35- Voltaire, "Histoire", 377.

۳۶- افشار، سفرنامه، پیشین، ص ۲۴۴.

۳۷- همان، ص ۲۴۶.

۳۸- همان، صص ۶۷-۲۶۶.

39- Browne, Press and Poetry, 9.

این متون تا سال ۱۸۴۷ م. / ۱۲۶۳ ق. چاپ نشدند. یک نسخه از ترجمه فارسی ۱۸۴۷ م. تاریخ روسیه در کتابخانه بریتانیایی، مجموعه‌های آداری هندی و شرق دور ۲۰ ۱۴۷۷۳۱ نگه‌داری می‌شود.

۴۰- تاج‌السلطنه، خاطرات تاج‌السلطنه، ویرایش: منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۰ ش، ص ۹۳؛ ترجمه به زبان انگلیسی:

Anna Vanzan and Amin Neshati as Crowning Anguish: Memoirs of A Persian Princess From the Harem to Modernity, ed. Abbas Amanat (Washington, D. C. Mage, 1993), 275.